

# اهمیت درخت گردو در زندگی روستاییان الموت

نصراله عسگری\*

(تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۳۱؛ تاریخ تأیید: ۹۳/۱۲/۵)

چکیده

مقاله حاضر که با عنوان اهمیت درخت گردو در زندگی روستاییان الموت قزوین ارائه شده است، سعی بر آن دارد با استفاده از روش‌های مشاهده مشارکتی، مصاحبه و با استفاده از تحقیقات صورت گرفته درباره گردو و با بهره‌گیری از نظریه کارکردگرایی ساختی به سوالات زیر پاسخ دهد:

با وجود تغییرات و دگرگونی‌های رو به افزایش و همه جانبه در روستاهای الموت آیا برداشت گردو توانسته پیوندهای اجتماعی خانواده و شبکه‌های پیرامون آن را تداوم بخشد؟ آیا این درخت غیر از کارکرد اقتصادی، کارکرد اجتماعی، فرهنگی هم دارد؟

**واژه‌های کلیدی:** الموت شرقی و غربی، درخت گردو، گردو، مالکیت، پیوندهای اجتماعی، برداشت گردو.

---

\* عضو هیئت علمی دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره) قزوین.

عکس‌های ضمیمه با همکاری آقای مجید شمس‌آبادی تهیه شده است. از همکاری بی‌دریغ ایشان صمیمانه تشکر می‌شود.

### مقدمه

در میان درختان جنگلی و کهنسال، درخت گردو جایگاه ویژه‌ای نزد بومیان دارد. این درخت که دارای عمر طولانی است برای مقاصد خاص نیز وقف می‌شود و نیز کم نیستند درختانی که به عنوان مهریه در قباله‌های ازدواج ثبت شده‌اند.

اما مهم‌ترین اندیشه عمومی درباره درخت گردو و دیگر درختان واسطه قرار دادن آنهاست. به عنوان مثال می‌توان موردی را که در روستای گلپرد طالقان اتفاق افتاده ذکر کرد. در گذشته



رسم بوده هرکس همسرش را در جوانی از دست می‌داد و مجدداً می‌خواستند تجدید فراش کند، ابتدا خطبه عقد را به نام درخت گردو می‌خواندند و درخت را قسم می‌دادند که عمر همسر آینده‌اش را طولانی کند و بدین ترتیب تا فراهم شدن مقدمات ازدواج، آن دختر یا بیوه، همسر درخت گردو شناخته می‌شد (میرابوالقاسمی، ۱۳۸۳).

### مسأله تحقیق

سوال‌های اصلی در این مقاله این است که آیا با وجود تغییرات و دگرگونی‌های رو به افزایش و همه جانبه در روستاهای الموت، گردو توانسته است پیوندهای اجتماعی خانواده و شبکه‌های پیرامون آن را تداوم بخشد؟

آیا این درخت غیر از کارکرد اقتصادی، کارکردهای اجتماعی و فرهنگی هم دارد؟ به عبارت دیگر در این تحقیق می‌خواهیم بدانیم غرس نهال گردو، یا احداث باغ گردو، اقدامی برای رفع پاره‌ای از کمبودهای غذایی است یا آن که این درخت همانند پاره‌ای از درختان چون سرو، چنار، انار، نخل، زیتون و ... نزد مردم مورد احترام بوده و تا به امروز نیز قداست و احترام خود را حفظ کرده است؟ آن چه در این مقاله مدنظر ما است، این است که به این درخت نباید تنها از بعد اقتصادی نگریسته شود، بلکه ابعاد اجتماعی و فرهنگی، خصوصاً نقشی را که در پیوندهای اجتماعی افراد مهاجر و نزد آنها به یکدیگر وجود دارد، باید مورد توجه قرار داد.

### فرضیه‌ها

- ۱- بین درخت گردو و همبستگی اجتماعی رابطه‌ای وجود دارد.
- ۲- بین درخت گردو و باورهای فرهنگی رابطه‌ای وجود دارد.

### پیشینه تحقیق

از میان مقالات و کتب منتشرشده بر اساس اطلاعات ما تنها چند مقاله است که به نقش فرهنگی، اجتماعی در کنار نقش اقتصادی آن توجه کرده‌اند. این مقاله‌ها عبارتند از:

۱- مقاله‌ای با عنوان گردو که توسط محمد حسین پاپلی یزدی با همکاری عباس جلالی در روستاهای خراسان به روش میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای نگاشته شده است. در این مقاله محققان سعی کرده‌اند علاوه بر اهمیت اقتصادی گردو، نقش آن را در ساختار اجتماعی و فرهنگی روستاهای مورد مطالعه نشان دهند (۱۳۷۴).

۲- میخ طلا یا گردو، مقاله‌ی دیگری است که محقق، دانش بومی مربوط به این درخت را در شهرک بیلاقی شه میرزاد از استان سمنان به رشته تحریر درآورده است (شاه‌حسینی، ۱۳۸۲).

۳- در مطالعه‌ای دیگر، بختیار محمدی سلیمانی ابتدا به معرفی منطقه تنگل هونی کرمان و مناطق گردوخیز آن پرداخته، سپس به مالکیت و نحوه سهم‌بری، مراسم برداشت گردو، شیوه همکاری روستاییان با یکدیگر و نقش هریک از آنها و موقعیت و پایگاه اجتماعی صاحبان باغ‌های گردو پرداخته است (۱۳۷۰).

### روش پژوهش

داده‌های مقاله حاضر با دو روش کتابخانه‌ای و مطالعه میدانی گردآوری شده‌اند. در بخش کتابخانه‌ای از مقالات و کتب موجود در کتابخانه‌ها و در بخش میدانی علاوه بر مشاهده مشارکتی و مصاحبه با افراد مطلع محلی، از اطلاعات تعدادی از روستایی‌های مهاجر ساکن استان قزوین هم بهره گرفته شده است.

### خاستگاه گردو

در مورد خاستگاه اصلی گردو عقاید مختلفی ابراز شده است. در بعضی کتب تاریخی موطن اصلی آن را چین و در برخی دیگر موطن اصلی آن را حاشیه‌ی دریاچه‌ی خزر در ناحیه گیلان بین ۳۵ تا ۴۰ درجه عرض جغرافیایی ذکر کرده‌اند.

چین، قفقاز، ترکیه، بلغارستان، یوگسلاوی، رومانی، اتریش از مناطق تولید خودروی گردوی جهان بوده است. ۵۰۰ الی ۷۵۰ سال قبل از میلاد، سربازان روم آن را از چین به ایران و سپس به اروپا منتقل کردند. آنها عقیده داشتند این درخت مقدس و میوه آن مبارک است و به همین دلیل بود که گردو را برای پذیرایی از میهمانان عالیقدر خود استفاده می‌کردند و در همان زمان نیز متوجه شده بودند که از لحاظ مواد غذایی و چوب، درخت گردو بسیار مفید بوده است. گردو در سال ۱۵۶۲ از طریق روم به انگلستان و در اواخر قرن ۱۸ به کالیفرنیا منتقل گردیده است (طباطبایی و همکاران، ۱۳۷۱، ۱۳).

کارهای کشت، شامل شخم زدن، کود دادن، آبیاری، هرس، مبارزه با آفت‌ها و مراقبت و نگهداری از باغ‌های گردو از دستبرد افراد بومی، غیربومی و پرندگان است. روستاییان برای مراقبت از باغ‌ها، براساس عرف معمول با انتخاب فردی به نام دشت‌بان یا باغبان یا پاکار این مسوولیت را به او واگذار می‌کنند. طریقه انتخاب به این صورت است: همه‌ساله پس از تحویل سال مردان روستایی دسته جمعی به دیدار خانواده‌های عزادار می‌روند، پایگاه اجتماعی اشخاص که براساس مالکیت باغ، دام و زمین‌های زراعی تعیین می‌شود، تکلیف دیدوبازدیدهای بعدی را معین می‌کند. در چنین روزهایی که فرصت تجدید دیدار و تحکیم مودت و دوستی بیش از هر زمان دیگر وجود دارد، روستاییان فرصت را غنیمت شمرده، افرادی را که داوطلب تصدی انجام کارها هستند انتخاب می‌کنند. معمولاً بهترین زمان برای این کار را سه روز بعد از عید می‌دانند که از تراکم دیدوبازدیدها، کاسته شده است. همه‌ی مردان با قرار قبلی در روز معین در مسجد یا خانه‌ی یکی از روستاییان که گنجایش پذیرش

همه‌ی آنها را داشته باشد، اجتماع می‌کنند تا ضمن بحث و تبادل نظر شایسته‌ترین دشتبان یا باغبان را با رأی اکثریت انتخاب کنند تا از باغ‌ها و مزارع آنها مراقبت لازم را به عمل آورد. در انتصاب دشتبان عواملی را در نظر می‌گیرند که اهم آن‌ها عبارتند از:

- محلی باشد.
- وظیفه‌شناس باشد.
- شورای محل صلاحیت او را مورد تأیید قرار دهد.
- حلال‌خور باشد و حق کسی را ضایع نکند.
- متاهل باشد.
- علاقمند به کار دشت‌بانی و دارای فرصت کافی برای حضور در روستا و مراقبت از مزارع، باغ‌ها و دیگر تاسیسات موجود در روستا باشد.

با در نظر گرفتن عوامل یاد شده، روستاییان یک نفر از داوطلبان را انتخاب می‌کنند و او هم نفر بعدی یعنی دستیار خود را که از نزدیکان اوست، برمی‌گزیند، تا در غیاب او مسوولیتش را به عهده بگیرد. ابزار کار دشتبان ترکه‌ای از درخت انار (شوش) برای تنبیه کودکان خاطی و یک چوب‌دستی کوتاه و قطور برای مقابله با دزدان و حیوانات وحشی است (عسگری، ۱۳۷۹: ۱۹۶). میزان دستمزد او را عرف محل تعیین می‌کند. در روستای اکوجان سهم دشتبان از هر هزار گردو ۵۰ عدد است. گاهی هم مزد او را با پول پرداخت می‌کنند. در بعضی روستاها مانند آتان علاوه بر پاکار، فردی را تحت عنوان داربن<sup>۱</sup> از اواخر شهریور ماه تا اواسط مهر ماه که مصادف است با برداشت میوه درخت گردو، انتخاب می‌کنند تا شب‌ها در باغ‌ها به گشت‌زنی بپردازد. علاوه بر موارد یادشده برای مقابله با پرندگان نیز از مترسک (آراسونه)<sup>۲</sup> استفاده می‌کنند. مترسک پیکره‌ای به شکل انسان است که از اتصال دو چوب به شکل صلیب ساخته می‌شود و آن را با انواع پارچه‌های کهنه و تیره‌رنگ و گاهی هم با لاشه‌ی کلاغ با کلاهی بر سر تزئین می‌کنند و لابه‌لای شاخ و برگ‌های درختان قرار می‌دهند تا موجب دفع پرندگان و جانوران شود. هم‌چنین با آویختن قوطی‌های حلبی از شاخه‌های درخت و اصطکاک آنها با یکدیگر در اثر وزش باد مانع از نزدیک شدن پرندگان به میوه‌ی درختان می‌شوند. میوه درخت گردو در اواسط مهرماه یا اواسط آبان‌ماه با توجه به شرایط جغرافیایی منطقه با چند روز اختلاف قابل چیدن است. ولی نظر به این‌که روستاییان برای خود در هفت روز هفته

1. Darbon  
2. Arasoneh

روزهای سعد و نحس<sup>۱</sup> دارند که به سوابق تاریخی خوش یا ناخوش آن مردم مربوط می‌شود، برای اقدام به هرکاری باید آینده را پیش‌بینی کرد تا از بروز حوادث غیرمترقبه جلوگیری شود. بنابراین پیش از چیدن گردو نزد ملای محل می‌روند تا او با مراجعه به تقویم نجومی، روزهای خوش‌یمن و بدیمن را مشخص کند. پس از قطعی شدن روز برداشت، از افراد ماهر، که به خوبی می‌توانند از درختان بالا بروند کمک می‌گیرند. این افراد را گردوتکان می‌نامند. چون این کار از عهده هرکس بر نمی‌آید و دلبری و جسارت ویژه‌ای می‌طلبد، زیرا درختان گردو اغلب بزرگ و تنومندند و برداشت محصول آنها عملی دشوار و مخاطره‌آمیز است و گردوتکان در انجام کار خود سختی بسیاری متحمل می‌شود. در روستای اکوجان، گردوتکان‌ها را گردکان‌شان<sup>۲</sup> یا داروبان<sup>۳</sup>، در روستای هنیز، آقوزکلاندن<sup>۴</sup>، در روستای پایین روچ، آقوزچین یا آقوز جیرکن، در روستای خشک بخش گرکن شن<sup>۵</sup>، در روستای آتان دارکلاندن<sup>۶</sup>، می‌نامند. گردوتکان از درخت بالا می‌رود و با المبه یا دارو<sup>۷</sup> به تک تک شاخه‌های درخت ضربه می‌زند تا گردوها جدا و به زمین بیفتند. گردو جمع‌کن‌ها که اعضای خانواده، خویشاوندان نزدیک و همسایگان هستند با ابزار کار خود، سطل، سبد (چلک) و گونی به جمع‌آوری گردوها می‌پردازند و پس از پرشدن ظرف‌های‌شان آنها را در محلی که از قبل تعیین شده، روی زمین کویا می‌کنند. دستمزد گردوتکان‌ها در روستاهای مختلف متفاوت است. در روستای اکوجان از هر ده گردو دو عدد آن متعلق به گردوتکان است. در روستای خشک‌بخش پس از برداشت محصول هر درخت، ۲۵۰ عدد گردو به گرکن‌شن می‌دهند. در حالی که در روستای آتان، دستمزد گردوتکان یک سوم گردوهای درختی است که تکانده شده است. پس از جمع‌آوری گردوها، علاوه بر دستمزد

۱. روزهای سعد و نحس در روستاهای مختلف متفاوت است. در اکوجان روزهای شنبه، دوشنبه و پنج شنبه سعد و سایر روزها نحس است. در میلک، بعد از ظهرهای دوشنبه و پنج‌شنبه سعد و صبح‌ها و ایام شهادت معصومین نحس است. حال آنکه در روستای خشک بخش صبح‌های شنبه و چهارشنبه نحس و بعد از ظهرهای همان روزها سعد است و بالاخره در برخی از روستاها مردم اعتقادی به سعد و نحس بودن روزها ندارند (زر آباد).

2. Gerdekanshan
3. Daruban
4. Aqoozklandan
5. Gerkan shen
6. Darklandan

۱. المبه (Alambe) یا دارو (Daru) چوب بلندی است به طول ۳ الی ۶ متر از جنس درخت‌های فندق، تبریزی، زبان گنجشک که گردوتکان با آن بر شاخه و سرشاخه‌های درخت گردو می‌زند تا گردوها از شاخه‌ها جدا شوند و بر زمین بیفتند.

گردوتکان، برای کودکان و افرادی که در جمع‌آوری گردوها و انجام امور مربوط به آن مختصر فعلیتی داشته‌اند تعدادی گردو به عنوان انعام در نظر می‌گیرند و از حضار با نان، پنیر محلی، کره، مغز گردوی تازه و چای پذیرایی به عمل می‌آید. پس از پایان یافتن کار برداشت، اشخاص حاضر در زیر درخت اعم از مردان، زنان و کودکان مجازند با چوبدستی کوچکی که دارند به جستجوی گردوهای پنهان‌شده و یا به جا مانده زیر برگ‌ها و علف‌ها بپردازند و هرکس هر تعداد گردو پیدا کند، مال خودش خواهد بود. به این کار پاچین می‌گویند. گردوهای پنهان‌شده زیر علف‌ها را در روستای پایین روچ، پی آرون و در روستای هنیز، پس پائیز کن می‌گویند<sup>۱</sup>.

#### ۴- مالکیت گردو

الگوی مالکیت بر درخت گردو در منطقه مورد مطالعه به قرار زیر است:

۱- فردی ۲- مشاع ۳- ارباب رعیتی ۴- وقفی

#### الف- مالکیت فردی

در مالکیت فردی، درخت گردو و زمین یا درخت بدون زمین از آن یک نفر است، یعنی مالکیت درخت گردو از آن یک نفر و مالکیت زمین از آن فرد دیگر است. در مورد مالکیت اخیر، مالکیت درخت هیچ‌گونه حق تصرفی در زمین دیگری ایجاد نمی‌کند و زمین زیر درخت کماکان به مالک آن تعلق خواهد داشت. چنانچه گردویی پس از رسیدن، از درخت مذکور بر زمین بیفتد یا به وسیله کلاغ در همان زمین زیر خاک پنهان شود و نهالی از آن بروید، تنها صاحب زمین بر نهال گردوی جوان مالکیت پیدا می‌کند و هیچ سهمی از آن به صاحب درخت قبلی تعلق نخواهد گرفت.

#### ب- مالکیت مشاع

مالکیت مشاع<sup>۲</sup> نوعی مالکیت فردی بر درخت است که با مرگ مالک آن درخت از تملک او خارج و از طریق ارث یا به وسیله فروش به دیگران، به شکل مالکیت جمعی در می‌آید و ورثه یا خریدار از عواید آن به شکل سهمی استفاده می‌کنند. نمونه‌ای از مالکیت مشاع در روستای اکوجان که ۱۴ نفر در آن سهم هستند به قرار زیر است:

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: ج، حکیمی رضایی، ن، طباطبایی، تأثیر زمان برداشت بر کیفیت مغز گردوی ارقام انتخابی ارومیه.

۲. برای آگاهی بیشتر ر.ک: محمدحسن پاپلی یزدی، عباس جلالی، گردو، ص ۱۸.

خانان موسی خان ساکن روستای اکوجان (الموت غربی) صاحب یک اصله درخت گردو است که زمین آن هم متعلق به همین فامیل است. براساس نمودار ترسیم شده در صفحه بعد پس از فوت موسی خان، درخت به فرزندش جانعلی به ارث می‌رسد. جانعلی سه پسر داشته که پس از مرگش درخت به سه سهم تقسیم می‌شود. هریک از فرزندان یعنی خداداد، میرزا محمد اول و الله‌بداشت صاحب دو پسر بودند. از دو پسر الله‌بداشت یکی فوت می‌کند و به دیگری یعنی تقی محصول تعلق می‌گیرد. همچنین فرزندان میرزا محمد اول یعنی علی‌مردان و جانعلی هرکدام  $\frac{1}{6}$  محصول را پس از کسر حقوق گردو تکان و نگهبان دریافت می‌کنند. سهم هادی و وثوق (پسران تقی) و نیز پسران مرحوم برج‌علی یعنی بختیار و الله‌بداشت هرکدام  $\frac{1}{12}$  است. محمد، حکمت و فایز (فرزندان مرحوم علی)  $\frac{1}{18}$  محصول را می‌برند و بالاخره فرخ، طاهر، هرمز و منصور (فرزندان مرحوم امیر) مالک  $\frac{1}{24}$  محصول هستند.

### ج- مالکیت ارباب رعیتی

در این شیوه زارع با عقد قراردادی متعهد می‌شود کارهای مربوط به داشت (آبیاری، کوددهی، هرس کردن و ...) را به مدت پنج ماه (یک ماه بهار، سه ماه تابستان و یک ماه پاییز) تا مرحله برداشت ادامه دهد. آنگاه محصول بر اساس عرف محل بین آن دو تقسیم می‌شود.

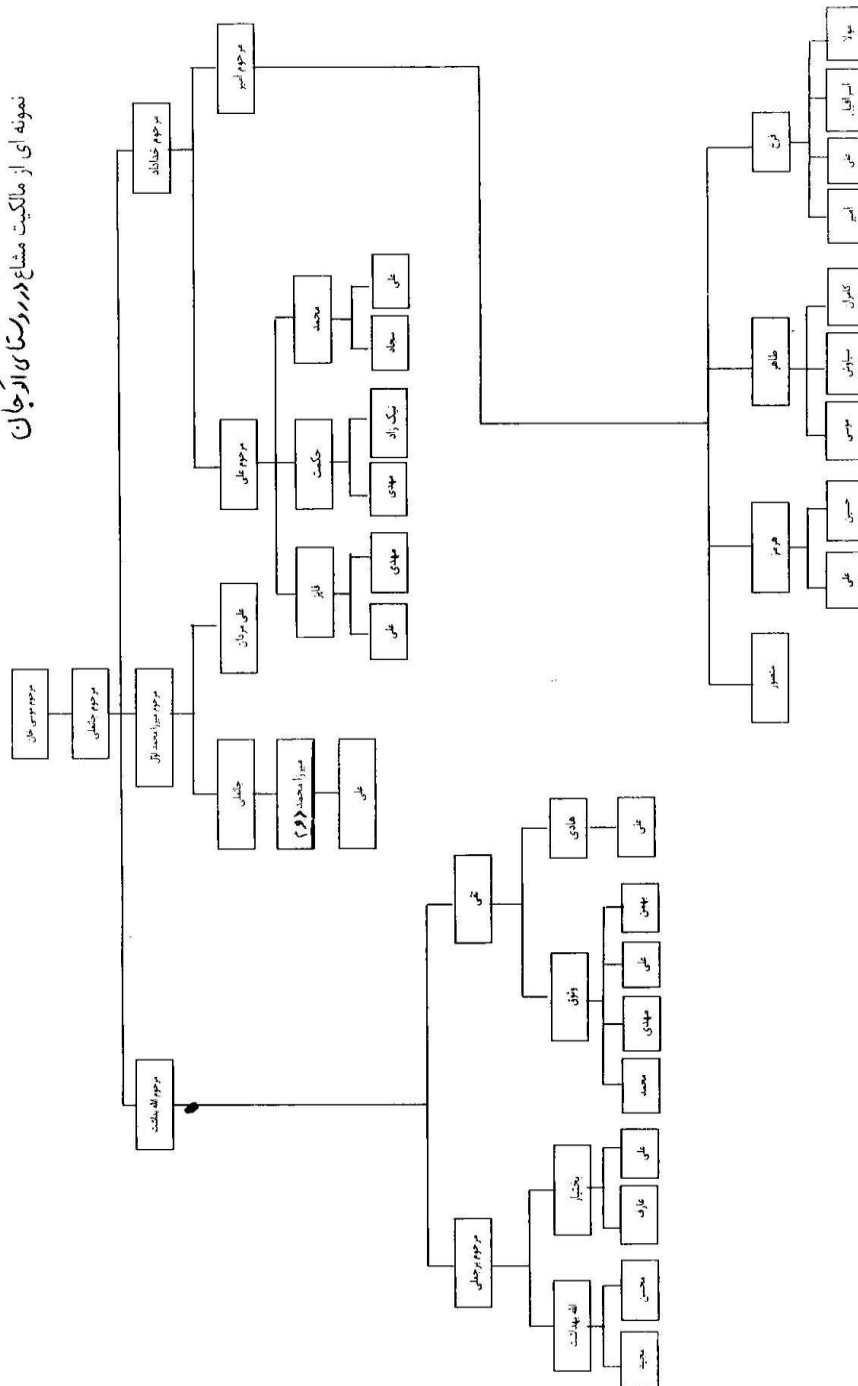
### د- مالکیت وقفی

وقف، نوعی عمل خیر و مؤثر است. با چنین عملی اصل مال، یعنی درخت گردو حبس می‌شود و محصول آن به مصرف می‌رسد. معمولاً کسانی که فرزند ندارند، درختان خود را وقف کارهای عام‌المنفعه مثل مسجد، امامزاده، مدرسه، حمام و ... می‌کنند. مدیریت این درختان به عهده‌ی واقف یا هیات امنای مسجد است. به این ترتیب که گردهای درخت وقفی را پس از برداشت به قیمت روز به فروش می‌رسانند و پول حاصل از آن را در امور مربوط به منافع اجتماعی صرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

۱. برای اطلاع بیشتر رک: شاه‌حسینی، پروانه. وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره‌های قاجار و پهلوی. ص ۱۱۸ و ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی، ص ۱۱۱.



نمونه‌ای از مالکیت مشاع در روستای ارجان



### خشک کردن و نگهداری

فصل برداشت محصول به علت سردسیر بودن منطقه در اواسط مهرماه و حتی در برخی از روستاها اواسط آبان‌ماه است. علامت رسیدن گردو، شکافتن یا ترک برداشتن پوسته‌ی سبز خارجی است. پس از چیدن گردوها باید پوسته‌ی خارجی آنها را از پوسته‌ی چوبی جدا کرد و محصول را به مدت یک هفته در پشت‌بام یا مکان‌هایی که برای خشک کردن آنها در نظر گرفته‌اند در مقابل نور ملایم آفتاب قرار داد تا خشک شوند. سپس آنها را در گونی، کیسه یا ظرفی که برای نگهداری آنها در نظر گرفته‌اند می‌ریزند و طی سال بر حسب نیاز آنها را مصرف می‌کنند.<sup>۱</sup>

### واحد شمارش گردو

یک پنج	۵ عدد گردو
دو پنج	۱۰ عدد گردو
ده دست	۱۰۰ عدد گردو
کیسه	۲۰۰۰ عدد گردو

### حقوق عرفی

درخت گردو پس از رشد، فضای وسیعی را اشغال می‌کند و سایه‌انداز آن گاهی به ۳۰ متر مربع هم می‌رسد. این مساله رشد درختان و گیاهان مالکین مجاور را تا حد زیادی محدود می‌کند و زمینه را برای بروز اختلافات محلی میان همسایگان فراهم می‌کند. تنها چیزی که می‌تواند به مشاجرات لفظی و حتی درگیری‌های فیزیکی خاتمه دهد، حقوق عرفی است، که در روستاهای الموت بنا بر سنت‌های فرهنگی مردم از یک منطقه به منطقه دیگر متفاوت است. در روستای خشک‌بخش، عده‌ای از روستایی‌ها به هیچ وجه حاضر نیستند سایه‌انداز درخت گردو را در باغ یا مزارع‌شان تحمل کنند. از این رو از مالک درخت می‌خواهند تا در اسرع وقت شاخه‌های مزاحم را قطع کند. چنانچه درخواست آنها عملی نشود و مشکل با وساطت صالحین محل برطرف نشود، افراد ذینفع جبهه‌ی واحدی تشکیل می‌دهند و مترصد فرصت می‌شوند تا با ریختن نفت یا بنزین درخت را از ریشه بخشکانند. در روستای آتان، مالک درخت برای رفع ضرر و زیان‌های وارده به مزارع و زمین‌های مجاور یک ششم از گردوهای برداشتی را میان صاحبان آنها توزیع می‌کند. در روستای هینز مساله با دخالت بزرگان محل از طریق مسالمت‌آمیز خاتمه پیدا می‌کند. در روستای اسطلبر برای حل مشکل، گردوهای برداشتی

۱. برای آگاهی بیشتر رک: بابک، م، سید اصغر، م، مدیریت افزایش کیفیت گردو، صص ۴۹-۵۰.

باید به تساوی بین طرفین دعوی تقسیم شود. در غیر این صورت صاحب زمین با تنظیم شکواییه و مراجعه به مقامات قضایی خواستار قطع شاخه‌های مزاحم می‌شود. در روستای پایین‌روچ، چنانچه شاخه‌ای به بام خانه، باغ یا زمین همسایه‌ای سایه اندازد، میوه آن شاخه متعلق به همسایه است. در روستای زرآباد مرسوم است مالک درخت برای رضایت همسایه باید قسمتی از میوه درخت را به او بدهد. اگر مالک درخت در پرداخت سهم مقرر قصور کند، زیان‌دیده از طریق مراجع قضایی، موضوع را تا قطع شاخه‌ی مزاحم پیگیری می‌کند.

### ارث

در روستاهای آتان و اکوجان، میراث خانواده به پسر یا پسران می‌رسد و دیگران عموماً از ارث محروم هستند. درحالی‌که در روستای زوار دشت پسر دو سهم، دختر یک سهم و مادر یک هشتم از میراث خانواده ارث می‌برد!

### درخت گردو و پیوندهای زناشویی

پس از آنکه دختر برای پسر خواستگاری شد و شرایط مورد قبول واقع شد خانواده پسر خود را برای برنامه بعدی که نشانه یا انگشتری نام دارد، آماده می‌کنند. در این مرحله مرسوم بود برای استحکام وعده‌های داده شده در مرحله خواستگاری هدیه یا هدایایی را که معمولاً یک قطعه طلا یا چند قواره پارچه و ... بود در جامه‌دان یا بقچه‌ای گذاشته و در یک روز معین به خانه دختر می‌بردند و مادر دختر هم در آن روز تعدادی از فامیل‌های نزدیک خود را دعوت می‌کرد و هنگام تحویل هدایا و با صرف شیرینی و چای و کف زدن‌ها به این وصلت رسمیت می‌بخشید. در کنار هدایای دریافت شده پدر داماد هم برای اینکه دست و دل‌بازی خود را به نمایش بگذارد به صورت شفاهی یا کتبی یکی از درختان گردوی باغ خود را در جمع حضار به میمنت و شادی این روز فرخنده به نام عروس خود به ثبت می‌رساند. از آن لحظه به بعد مالکیت آن درخت در اختیار دختری قرار می‌گرفت که به عنوان عروس وارد آن خانواده شده بود (روستای خشک بخش و زوار دشت).

۱. برای آگاهی بیشتر ر.ک: دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ج ۷.

### شیر بها

در بعضی از روستاهای الموت در انتهای صورت مخارج، پدر داماد در صورت وسع مالی یک اصله درخت گردو را به عنوان شیربها در فهرست جهیزیه منظور می‌کند تا خانواده تازه تأسیس از پشتوانه مالی اطمینان بخشی برخوردار شود.

### مهریه یا کابین

در روستاهای الموت درخت گردو از جمله اقلامی است که به عنوان مهریه در قبالة عروس به ثبت می‌رسد.

### پاگشایی

در بعضی از روستاهای الموت معمولاً پس از ازدواج برای بازگرداندن زوج جوان به زندگی و از سرگیری فعالیت‌های اجتماعی از آنها دعوت می‌شود تا در جشن مهمانی که به افتخار آنها از جانب والدین آنها برگزار شده، شرکت کنند. رسم است در این مهمانی هدیه یا هدایایی به عروس داده می‌شود. نوع و ارزش هدیه بستگی به قدرت مالی والدین داماد دارد. اصولاً سعی بر این است که هدیه قابل توجه باشد. این هدیه قابل توجه معمولاً یک اصله درخت گردو است که آن را پشت قبالة ازدواج زوجین به ثبت می‌رسانند (روستای میلک و لتر). به پیوست متن قول نامه‌ای را که در تاریخ ۱۳۷۳/۸/۵ در روستای لتر تنظیم شده و پدر داماد یک اصله درخت گردو را به عروسش واگذار کرده، آورده شده است.

### گردو عاملی برای ایجاد الفت و صمیمیت

روز گردوتکانی بهانه‌ای است برای جمع شدن آشنایان و خویشاوندان کنار یکدیگر و تجدید دیدار. در این روز بیشتر کسانی که در مالکیت درختان گردو شریک هستند، از جمله کسانی که به دلایل مختلف از روستا کوچ کرده و در شهر ساکن شده‌اند، سعی می‌کنند به اتفاق اعضای خانواده پای درختی که در آن سهم‌اند حضور یابند.

### کاربرد اجزای گردو

#### تهیه غذا

منظور اصلی از پرورش گردو به خصوص در کشور ما استفاده از مغز آن است که به صورت خام یا پخته به مصرف می‌رسد. خام آن مستقیم یا به صورت کوبیده یا نکوبیده مصرف می‌شود، یا در تهیه یک نوع باسلوق به کار می‌رود که در بعضی از مراکز تولید رایج است.

شکل دیگر مصرف این ماده‌ی غذایی پرچرب، در تهیه انواع غذا است که عمومی‌ترین آنها خورشت فسنجان است (طباطبایی و همکاران، منبع پیشین، ۱۹). غیر از غذای یاد شده غذاهای دیگری با مغز گردو تهیه می‌شود که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم: بادمجان کباب، مرغ ترش، میرزا قاسمی، آش ترش، کدو قلیه، آقوز کلاس و آقوز قاتق.

### استفاده دارویی

در روستاهای الموت بعضی از دردها و جراحات وارده به بدن را با استفاده از اجزای درخت گردو درمان می‌کنند که در زیر به چند مورد از آنها اشاره می‌کنیم:

**الف- چوب درخت گردو** را می‌سوزانند و خاکستر به جا مانده را با ماست چکیده‌ی تهیه شده از شیر گاو مخلوط می‌کنند. ماده به دست آمده را برای درمان جراحی به کار می‌برند (روستای اسطبر).

### ب- پوست گردو

پوست سبز گردو را می‌کوبند، در ظرفی می‌ریزند و به آن روغن زیتون و تخم مرغ اضافه می‌کنند، خمیر به دست آمده را مالش می‌دهند تا کاملاً حالت چسبندگی پیدا کند. مقداری از این خمیر را در محل عضو آسیب‌دیده قرار می‌دهند و آن را با پارچه می‌بندند. این کار را چندبار تا التیام درد (پادرد، کمردرد و قسمت ضرب‌دیده‌گی) ادامه می‌دهند.

### ج- برگ درخت گردو

از برگ درخت گردو هم برای درمان کوفته‌گی و ضرب‌دیده‌گی بدن استفاده می‌شود. عضو آسیب‌دیده را با برگ درخت گردو می‌پوشانند و اطراف آن را با پارچه می‌بندند تا بهبود یابد.

### د- مغز گردو

از مغز گردوی سوزانده شده برای التیام عضو ضرب‌دیده استفاده می‌کنند. مغز گردو را می‌سوزانند و خاکستر باقیمانده را با زرده تخم مرغ مخلوط می‌کنند، خمیر به دست آمده را روی پارچه می‌ریزند و آن را روی عضو آسیب‌دیده می‌بندند. چنانچه مغز گردو در دسترس

نباشد از شاخه‌های درخت گردو (چیلکا)<sup>۱</sup> به ترتیبی که در سطور بالا توضیح داده شد برای درمان عضو آسیب‌دیده استفاده می‌کنند.

### شستشوی ظروف

از خاکستر حاصل از سوزاندن شاخه درخت گردو برای شستشوی ظروف استفاده می‌کنند. (روستای اسطبلر).

### رنگرزی

یکی از رنگ‌هایی که رنگرزان در رنگ کردن پشم استفاده می‌کردند، رنگی بود که از پوست سبز گردو (کچ) بدست می‌آوردند. رنگرزان پوست‌های سبز پلاسیده گردو را به همراه آب ولرم به مدت ۲۴ ساعت در دیگ بزرگ مسی (قزقان) قرار می‌دادند و با اضافه کردن زاج، رنگ مورد نظر را بدست می‌آوردند.

### تأمین خوراک دام

روستاییان در فصل سرما به ناچار دام‌ها را داخل طویله تعلیف می‌کنند. به همین جهت از برگ انواع درختان از جمله درخت گردو و آمیختن آنها با علوفه‌ای که در فصل تابستان از کوه‌ها چیده‌اند (الهو، کما، بواش) برای تغذیه دام‌ها استفاده می‌کنند.

### چوب

درخت گردو دارای چوب بسیار خوش‌رنگ، خوش‌نقش، بادوام و بازارپسند است که بین دوستداران کالاهای چوبی هرگز از مد نمی‌افتد. چوب گردو از دیدگاه برخی از صنایع چوب از جمله روکش و نماسازی، تخته لایی‌سازی (برای رویه‌های نما)، خراطی، فرزکاری، داخل ساختمان، دکوراسیون، پارکت‌سازی، قفسه‌سازی، مجسمه‌سازی و ... یکی از بهترین چوب‌های جهان به شمار می‌رود (طباطبایی و همکاران، منبع پیشین، ۱۴۸).

## باورها

اهمیت و ارزش درخت گردو باعث شده این درخت در باورهای مردم منطقه رسوخ کند، و در مواقعی آن را به حد تقدس برساند. بخشی از این باورها به قرار زیر است:

- اجنه‌ها شب‌ها زیر درخت گردو ماوا می‌گیرند، بنابراین برای مصون ماندن از آزار آنها در تاریکی هنگام عبور از کنار یا زیر درخت باید صلوات فرستاد یا بسم‌الله گفت (روستای میلک).

- شب نباید زیر درخت گردو خوابید، چون سنگین است و انسان دیوانه می‌شود.

- زیر درخت گردو نباید آب جوش ریخت، اگر این عمل از جانب کسی صورت گیرد، درخت او را نفرین می‌کند.

- درخت گردو مقدس است. اگر کسی آن را قطع کند می‌میرد (روستای هیر).

- گردو حکم پسر را دارد.

- اگر زن بارداری روزی یک عدد گردو بخورد، پس از زایمان پوست شکمش صاف می‌شود.

## فرهنگ‌نامه گردو

گردو از جمله محصولات مهم باغی است که در معیشت روستاییان الموت نقش مهمی ایفا می‌کند. لذا نظر به اهمیت و قدمت این درخت در منطقه، واژگان زبان، کلمات زیادی را برای اجزای آن پدید آورده است. حتی در پاره‌ای از موارد در مورد یک جزء از اجزای تشکیل‌دهنده درخت و میوه آن با کثرت کلمات مترادف مواجه می‌شویم که در زیر در قالب فرهنگ‌نامه آورده می‌شود.

درخت گردو	AqoozDar, Gerdekul Derakht (Deraxt)	آقوزدار، گردگول درخت
گردو	Aqooz, Gerdak, Gerdekan, Qoz	آقوز، گردک، گرده کان، قز
پوسته سبز گردو	Salmeh, Syalemy, Koch, Sil, Kerchil, Siyal, Sialum, Shet	سالمه، سیالمی، کچ، سیل، کرچیل، سیال، سیالوم، شط
پوسته چوبی گردو	Poch (push), Puchy Luk, Poculik	پوش، پوچی لاک، پوچولیک
گردویی که پوسته سبز آن شکاف برداشته باشد	Beshkasta Gerdu, Toja, Zibil یا Zepil	بشکستا گردو، تجا، زپیل یا زیبیل
گردویی که پوسته سبز آن را جدا نکرده باشند	Garchekey	گرچکی

اهمیت درخت گردو در زندگی روستاییان الموت

گردوی پوست انداخته	Siyalom	سیالم
مغز گردوی رسیده	Deleh, Bast	دله، بست
مغز نارس گردو	Zok, Sase, Fer, Vinak, Vinizak	زک، سس، فر، وینک، وینیزک
مغز گردوی سفید	Espe Aqooz	اسپه آقوز
مغز گردوی سیاه		سیاه آقوز
گردوی بی مغز و سیاه مغز	Pooch, Pook	پوچ، پوک
تیغه چوبی میان دو لپه گردو و اطراف آن	Alameh, Red, Kharak (Xark), Pareh, Qoqorak	آلمه، رد، خرک، پره، قوقورک
شاخه‌های نازک درخت گردو	Chilaka	چیلکا
درخت هشت سال به بالا	Chalkeh Sar	چلکه سر
درخت ده ساله	Polee Dar	پولی دار
درخت بیست ساله	Alambey Dar	آلمبه ای دار
درخت ۳۰ تا ۵۰ ساله	Kohneh Dar	کهنه دار
درخت ۵۰ سال به بالا		کهن دار یا خرمنی دار
درخت کهنسالی که تنه آن خالی شده و می‌توان به داخل آن رفت.	LapooDar, PutDar	لاپودار یا پوت دار
گردویی که میوه آن به صورت نیمه از پوسته چوبی جدا می‌شود		نیمه مغز، چپ، دولایه، دو لنگه
گردویی که مغز آن کامل است	Do Lap	دو لاپ
گردویی که نصف آن خراب است		نیم لاپ
مغز کردن گردو		آقوز چپ
چوبی از جنس درخت فندق، ون، تبریزی، زبان گنجشک، آلبالو، بید به طول تقریبی ۳ تا ۶ متر برای تکاندن گردو	Alambeh, Kal	آلمبه، کال
گردوچین	Aqooz Jir Kon, Gerdu shan, Gerdu Hatakan	آقوز جیرکن، گردوشان، گردوها‌تکان
گردو جمع‌کن	Takal	یاور، آقوز جمع‌کن، کمک، تکل
گردو را برای خشک شدن در مقابل تابش آفتاب قرار دادن	Khor Kardan	خور کردن، باد دادن
محل جمع‌آوری گردوها پس از چیدن		کوه



گردوهایی که پس از برداشت محصول گردو روی درخت باقی می‌ماند و می‌توانند آنها را بچینند	Pasa Chin	پساچین
شیره درخت گردو		شیره، آب سیاه
سنگ مسطحی که گردو را بر روی آن قرار می‌دهند و با وارد آوردن ضربات پی‌درپی سعی در جداکردن پوسته سبز از پوسته چوبی دارند		بنه سنگ
گردویی که توسط باد از درخت جدا شود	Bad Kon	باد کن
گردوهای سالم را با نخ به هم وصل می‌کنند و برای تزئین آشپزخانه به کار می‌برند		گیری بند
گردوهایی که در زیر علف‌ها پنهان مانده باشند	Pas Haroon, Piyaroom, Pasachin	پس هارون، پیاروم، پساچین
گردوی رسیده	Bareseh Aqooz, Qaqoro, Duqash, Gezgeri Gerdekan, Delnarak, Qaqoo, Qaqorot	برسه آقوز، قاقور، دقاش، کزگری گردکان، کاغذآقوز، دل نرک، قاقو، قاقوروت
پوسته سبز را از پوسته چوبی جدا کردن	Qaqokany, Qaqovakany Siyl Kardan, Eshkely	قاقو کنی، قاقو واکنی، سیل ردن اشکلی
گردویی با پوسته بسیار ضخیم و مغز روغنی که در آوردن مغز آن بسیار سخت است	Koch Aqooze	کچ آقوز، سوزنی
گردویی که مغز آن بطورکامل از پوسته چوبی جدا می‌شود	Aqooz Qoqoloo	آقوز قوقولو، چهارلنگه مغز
سنگ بیضی شکل برای ضربه زدن به پوسته سبز برای جدا شدن آن از پوسته چوبی		سرسنگ
گردوی درشت	Khojir Gerdekan, Pila Aqooz, Arfe Gerdu, Gormaka, Kal Aqooz	خجیر گردکان، پیلا آقوز، ارفه گردو، کورمکا، کل آقوز
جداکردن پوسته چوبی از مغز	Gerdu Koch Kony	گردو کچ کنی

### نتیجه گیری

هوای گرم و خشک فلات ایران موجب توجه ایرانیان به درخت شده است. به نظر می‌رسد در هر مکان درخت غالب درختی است که غذای عمده مردم یک ناحیه را تأمین می‌کند و این امر ریشه در سنت‌ها، فرهنگ، آداب و رسوم و عقاید اقتصادی در طول هزاران سال دارد. در منطقه مورد مطالعه ما، درخت گردو در ساختار اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی روستاها رسوخ کرده و به صورت جزئی از اجزای زندگی و نوع معیشت روستایی درآمده است. کشت درخت گردو در اکثر نقاط الموت به صورت پراکنده در کنار سایر درختان، در داخل باغ‌ها و حتی به صورت تک درخت در داخل مزارع معمول بوده و کمتر روستایی است که فاقد درخت گردو باشد. علی‌رغم کاشت گردو، در اکثر روستاهای الموت بیشتر روستاییان بر جنبه خودمصرفی آن تأکید دارند و فقط تعداد معدودی از روستاها از جمله روستاهای: هیر، دربند، زرچال، و یار و سوگاه هستند که دارای تولید قابل توجهی بوده و مازاد تولید خود را به قزوین و سایر نقاط صادر می‌کنند.

در زمان‌های گذشته، در کشور ما به این درخت به قدری اهمیت داده می‌شده است. حتی در برخی نقاط با تولد نوزادان، به نام آنها درختان گردو کاشته می‌شده تا سرمایه‌ی آینده زندگی آنان باشد. گاهی درختان گردو را به عنوان پشتوانه‌ی نکاح در پشت‌قباله‌ی دخترخانم‌ها ذکر می‌کردند و عده‌ای از مردم عامی این درختان را سودمند و مقدس دانسته و به آنها نذر و نیاز می‌بستند. در بسیاری از نقاط روستاهای ایران هنوز این عقاید و عرف رایج است (طباطبایی و دیگران، منبع پیشین).

باید توجه داشت مطالعه‌ی درخت گردو و میوه‌ی آن را نباید تنها از بعد اقتصادی نگریست. اگر سایر امور مربوط به این درخت را، یعنی ابعاد فرهنگی و اجتماعی آن را نادیده بگیریم شناختی سطحی از این مقوله به دست داده و امکان پی بردن به ژرفا و وجوه نهفته در آن مورد غفلت واقع می‌شود.

گردو در روستاهای مورد مطالعه ریشه در فرهنگ ساختاری آن‌ها دارد. این امر زمینه را برای تعاون، همکاری و انسجام گروهی، طی مراحل برداشت محصول به خوبی نمایش می‌دهد. به هنگام برداشت محصول گردو، نوعی تقسیم کار اجتماعی مشاهده می‌شود و هرکس براساس قانون نانوشته و عرف رایج به کاری می‌پردازد که در توان اوست. معمولاً در این نوع تقسیم کار سالمندان گوشه‌ای نشسته‌اند و بر جمع‌آوری محصول نظارت دارند و هرازچندگاهی چنانچه لازم باشد به جوان‌ترها برای تسهیل، تسریع و صحت در کار تذکراتی

می‌دهند. همه افراد شرکت‌کننده در چارچوب قوانین وضع شده به فعالیت می‌پردازند و هیچ‌کس حق ندارد به آنچه که معمول و رایج است عمل نکند و آن‌ها را نادیده بگیرد.

جمع‌آوری محصول گردو در روزهای خاص و حضور افراد در زیر درختان تنومند گردو زمینه را برای آشنایی و شناخت بیشتر افراد با یکدیگر فراهم می‌کند. از آنجا که افراد مشغول فعالیت‌های فردی و گروهی هستند و نیز هرکس به فراخور توانایی خود مسوولیتی را به عهده دارد، فرصتی است تا افراد اخلاق، رفتار و خصوصیات فردی و خانوادگی خود را نمایان سازند. به طوری که گاهی همین آشنایی‌های تصادفی منجر به امر ازدواج بین پسران و دختران می‌شود.

هنگام برداشت محصول، صاحبان درختان گردو، کمک به مستمندان و افراد بی‌بضاعت را از یاد نمی‌برند و هر صاحب درختی در حد وسع خود به نیازمندان کمک می‌کند.

گردو همچنین به علت عمر طولانی‌اش به صورت واسطه‌العقد اجتماع خویشاوندی درآمده است. افراد یک خانواده یا فامیل گسترده که به دلایل مختلف از هم جدا افتاده‌اند به یمن شریک بودن در یک یا تعدادی درخت گردوی کهنسال که گاه از چند نسل قبل به ارث رسیده از هم با خبر می‌شوند و به حال یکدیگر رسیدگی می‌کنند. درخت گردو شجره‌نامه‌ی بسیاری از خانواده‌ها شده است (پاپلی یزدی، جلالی، منبع پیشین).

صرف نظر از نقش فرهنگی و اجتماعی گردو، این درخت از نظر اقتصادی بسیار با اهمیت محسوب می‌شود. متأسفانه در دهه چهل بعد از اصلاحات ارضی، درختان گردو، مورد طمع سودجویان و خریداران چوب گردو قرار گرفت و بسیاری از درختان کهنسال قطع و چوب آن‌ها به نقاط مختلف دنیا از جمله روسیه صادر شد. در سال‌های اخیر افزایش قیمت مغز گردو و کمیاب شدن چوب آن باعث شده تا روستاییان نسبت به کشت آن به عنوان یک فعالیت کشاورزی درآمدزا علاقه‌مند شوند و فرهنگ گردوکاری مجدداً در روستاهای الموت احیا شود. این امر طلیعه‌ی نیکو و میمونی است که از نو سنت‌های مطلوب کهن معطوف به گردو احیا شود و به رونق کشاورزی، معیشت، کار و مناسبات روستاییان بیفزاید.

بسم الله

« قولنامه »

امروزه آن در لرسیه ما انصاف و کفایت از هر کوهی می نایم در آن نهر قالی لرز نمید  
نموده است که بی لطمه از دست گردو واقع در قریه لر بنج در قریه جیب بلنج  
قالی لرز به عروسه محمد خان هاجر ابوعلی فرزند ابراهیم و ائمه دار نموده است

<p>جمع غنایم و زینت در عهد عزت و کرامت</p>	<p>برای ابوعلی (ابراهیم) بر آن مانع</p>	<p>محمد قالی (سید ولد) محمد قالی</p>
<p>تبر قالی محمد صالح احمدی</p>	<p>علی محمد لعلی (شاه) محمد لعلی</p>	<p>محمد قالی (شاه) محمد قالی ابراهیم</p>

## منابع

- امیر قاسمی، تراب (۱۳۸۴). گردو. تهران: انتشارات سازمان مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی.
- پاپلی یزدی، محمدحسین؛ جلالی، عباس (۱۳۷۴). گردو در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات قدس رضوی، شماره ۳۸.
- حکیمی رضایی، ج، طباطبایی، ن (۱۳۵۷). تأثیر زمان برداشت بر کیفیت مغز گردو، ارقام انتخابی ارومیه در خلاصه مقالات اولین کنگره علوم باغبانی کرج.
- دهلوی، افراسیاب (۱۳۷۳). پرورش درختان گردو. باغدار. شماره ۱.
- شاه‌حسینی، علیرضا (۱۳۸۲). میخ طلا یا گردو در فرهنگ قومس. شماره ۲۳ و ۲۴.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۵). وقف‌شناسی جغرافیایی شهر تهران در دوره‌های قاجار و پهلوی، در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. شماره ۴۲.
- شاه‌حسینی، پروانه (۱۳۷۷). ردیابی وقف در ساختار فرهنگی شهر تهران از دوره قاجار تا جمهوری اسلامی در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی، شماره ۴۸.
- طباطبایی، محمد؛ دهلوی، افراسیاب و احمدی، علیرضا (۱۳۷۱). گردوی هیگوری و پکان. تهران: واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی.
- عسگری، نصرالله (۱۳۷۹). انار و پیوندهای اجتماعی در فصلنامه تحقیقات جغرافیایی. مشهد: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی. شماره ۵۶ و ۵۷.
- عبادی، علی (۱۳۷۹). ازدیاد نهال گردو از طریق پیوند. گزارش طرح جهاد دانشکده کشاورزی کرج.
- محمدی سلیمانی، بختیار (۱۳۷۰). گردو و مراسم کاشت و جمع‌آوری محصول در ماهنامه سنبله. شماره ۳۴.
- میرابوالقاسمی، سید محمدتقی (۱۳۸۳). احترام به طبیعت از پرستش تا ازدواج با درخت در فصلنامه فرهنگ مردم. شماره ۱۰.
- موسوی، ف (۱۳۷۴). آبیاری باغ‌های میوه خزان دار، انتشارات اردکان.
- مدنی، بابک؛ موسوی سید اصغر و مرادی، حسین (۱۳۸۷). مدیریت افزایش کیفیت گردو. انتشارات کنکاش.
- موسوی بجنوردی، کاظم (۱۳۷۵). دایرة المعارف بزرگ اسلامی. ج ۷، تهران: مرکز نشر و پخش مؤسسه فرهنگی انتشارات حیان.
- وحدتی، کوروش (۱۳۸۲). احداث خزانه و پیوند گردو. تهران: انتشارات خانیران.

مصاحبه شوندگان

کامران اسماعیلی

باب الله غیبی پور

عارف جانی

رئوف غیبی پور

احسان الله مرقی

حسن غیبی پور

اهمیت درخت گردو در زندگی روستاییان الموت

---

خانعلی سلیمی	اصغر بی نیاز
فرامرز یگانه	محمد مولایی
اکرم مراقی	محمد قلی میرزایی
یاسر قاسمی	ارسلان حسامی
زهرا ملکی	مصطفی مراقی